

تجلی شاعرانه باد

واکاوی اشعار پروین دولت‌آبادی با رویکرد به عناصر اربعه
و تأثیر و ارتباط آن بر تفکر و برون‌داد استعداد های نهفته کودک

● کیمیا امینی

کارشناس ارشد ادبیات پژوهشی، مدیرانجمن کتاب کودک و نوجوان سیمرغ
aminiimik@yahoo.com

چکیده

شعر برانگیزاننده احساس و عواطف است و این نیروی قدرتمند تاکنون بارها به همین منظور نقد و بررسی های فراوانی شده است؛ اما بدون تردید شعر دارای رازهای پنهان و پیدای دیگری نیز هست و آن کاربرد واژگانی است که ریشه در ذات ناخودآگاهی شاعر دارد و برون‌داد آن می‌تواند سبب جذب یا دفع مخاطب شود. همچنین شناخت و درک معنایی تر کاربرد این واژگان و تأثیر آن بر تفکر و تخیل کودک نیز منجر به کشف برخی از استعداد های بالقوه در کودکان می‌شود. به این منظور اشعار کودکانه «پروین دولت‌آبادی» در دو مجموعه شعر کامل با نام های بر قایق / برها و گل بادام با روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا بررسی شد و از چهار واژه «آب»، «باد»، «خاک» و «آتش» و جلوه های آن ها به عنوان کلیدواژه استفاده شد.

شعر های منتخب برای تعداد ۱۰۰ دانش آموز دختر و پسر ۷ تا ۱۱ ساله، طی زمان خاصی خوانده شد و از آن ها درخواست شد تا چهار واژه را انتخاب کنند و برای آن ها نقاشی بکشند. بررسی و تحلیل تصاویر کشیده شده از سوی دانش آموزان نشان داد که بازتاب تخیلی عناصر اربعه در شعر کودک و واکنش دانش آموزان نسبت به آن ها، راهی برای شناخت محتوای شعر و میزان ارتباط و تأثیر آن بر تفکر و تخیل مخاطب کودک است. به دلیل بسامد زیاد کاربرد عنصر باد و جلوه های مختلف آن، ماهیت عنصری و تخیلی دولت‌آبادی «باد دو گانه، عروجی در پیوند خاک» است. بیشترین جلوه باد در اشعار او نقش پرواز و سفر است.

کلیدواژه

شعر کودک، پروین دولت‌آبادی، تخیل، عناصر اربعه، تصویر سازی

... بازی خیال

می برد مرا

می‌رساندم تا به ابرها ...
(دولت‌آبادی/بر قایق/ابرها)

درآمد

«تخیل»^۱ محصول ذهن انسانی است. در میان انواع جانوران، این انسان است که صاحب تخیل پیشرفته و گسترده است. «هسته اصلی و مایه تخیل تصاویر ذهنی است که در آن طبیعت به درون انسان می‌آید، حال آن که در تعقل انسان به درون طبیعت می‌رود.» (محمدی، ۱۳۷۸: ۴) تفاوت عمده نمود تخیلی از طبیعت و اشیا و... در ذهن انسان با تبلور صورت خیالی شعرگونه در نوع بروز آن‌ها نیست، بلکه در جهت‌دهی بُعد تخیلی است؛ زیرا هر فرد از نگرش به اطراف خود تجربه‌ای خاص در ذهن دارد که با دیگری متفاوت است. خورشید را هر انسان می‌بیند؛ اما دانشمند آن را چشمه نور و انرژی کاربردی می‌بیند؛ باستان‌شناس آن را مظهر قدرت خدایان باستانی و تأثیر‌گذار در شکل‌گیری تمدن‌ها می‌شناسد و کودک گلی زرد و شاعر صورت محبوب و... می‌داند. البته تجلی صورت خورشید در ذهن هر دانشمند با دانشمند دیگر و هر باستان‌شناس با دیگری و هر شاعر با شاعر دیگر نیز تفاوت دارد. مگر به یک تفاهم عمیق و کهن وجودی رسیده باشند و اشتراکات ناخودآگاه آنان موجب هماهنگی بیانشان از تصویر ذهنی آن‌ها باشد. آن‌چه از آثار شاعران و هنرمندان مشاهده می‌شود بازتاب تخیل هنرمندانه‌ای از عالم درون است که انگیزه حضور در برون را دارد. «وقتی چراغ تخیل شاعر بر نموده‌ها و واقعیات بیرونی تابیده می‌شود، باز نمود آن در طبیعت و عالم عین دیده شده، بلکه تصویری رمزی است که طبیعت آن را کم داشته و هنرمند می‌کوشد تا با آفرینش خود این نقص را جبران کند.» (صالح‌حسینی، ۱۳۷۱: ۱۱)

شاعران در دوره‌های مختلف پدیده‌های جهان را به گونه‌های متفاوت به تصویر کشیده‌اند. آنان با قدرت سحرانگیز خیال در هستی حلول کرده‌اند و عالمی نو آفریده‌اند. شعر کودک به عنوان شاخه‌ای تازه از شعر با صور خیالی نسبتاً ساده و بازتاب تخیلی عناصر طبیعی چون آب، باد، خاک و آتش یکی از فضاهای اصلی برون‌داد ماهیت درونی شاعر کودک است. همچنین این ماهیت موجب برانگیخته شدن قدرت تصویرسازی ذهنی، «تفکر خلاق»^۲ و به نوعی نقد و استدلال منطقی ساده، یعنی «تفکر انتقادی»^۳ در کودک می‌شود.

پروین دولت‌آبادی، از شاعران نامدار معاصر و توانا در خلق تصاویر بکر طبیعی است. او نوعی نگاه پنهان و نامحسوس به اجزای طبیعت دارد. روح بلندپروازانه او به برون‌داد ماهیت عنصری‌اش می‌پردازد. عناصر اربعه با جلوه‌های مختلف آن‌ها بازتاب خلاقانه تخیل دولت‌آبادی است. به دلیل حجم گسترده یافته‌ها و

فصلنامه نقد کتاب

نور و نور

سال سوم، شماره ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۷۶

باد و هوا عنصر
غالب تخیل
دولت‌آبادی است



تحلیل وسیع بازتاب تخیلی عناصر اربعه در اشعار او در این جا تنها به عنصر باد (هوا) توجه شده است. این عنصر و جلوه‌های مختلف آن، روحیه گریز از مرکز دارد و اغلب کودکان را به فکر پرواز، حرکات موزون، ریتم و آهنگ، مدارهای چرخشی و... سوق می‌دهد.

برای یافتن ارتباط میان اشعار دولت‌آبادی و تأثیر بازتاب عناصر اربعه بر کودکان و برون‌دادهای بالقوه آن‌ها پرسش‌نامه‌هایی تهیه و از کودکان خواسته شد تا پس از شنیدن شعر موردنظر به چهار پرسش ساده، کاملاً دقیق پاسخ دهند. چهار کلمه کلیدی از شعر را که در ذهنشان مانده بود، ثبت کنند. (به کلاس اولی‌ها کمک شد) برای یکی از آن چهار واژه، تصویری بکشند و جمله‌ای را مبنی بر احساس خود نسبت به نقاشی‌شان بنویسند. (استفاده از برانگیختن قوای تخیل و تفکر، شنیداری، دیداری، ترسیمی، نوشتاری، حق انتخاب، تفکر خلاق و...) در تحلیل تصاویر دانش‌آموزان ماهیت عنصری آنان آشکار شد. برخی دارای ارتباط مستقیم با ماهیت عنصری شاعر بودند و برخی ماهیت عنصری غیرمستقیم با شعر داشتند و البته تعدادی نیز هیچ ارتباطی با شعر یا شاعر برقرار نکردند. مهم‌ترین نکته در این نوع نگرش، برانگیختن قدرت تخیل و تفکر دانش‌آموزان بود.^۴ (در ادامه به دلیل حجم زیاد تحلیل‌های اشعار و تصاویر، فقط چند مورد به‌عنوان نمونه کاربردی آورده شده است.)

عنصر باد در اشعار دولت‌آبادی و تأثیر آن بر برون‌دادهای تفکری کودکان

سفر، حرکت رو به بالا، تعالی و کمال گرایی از نمودهای عنصر هوا (باد) بدون فرض بال زمینی است. باد، در بیشتر فرهنگ‌ها مظهر روح و دم حیات عالم و پیک خدایی است. این عنصر به دلیل تحرک و جنب و جوش درونی‌اش، نماد بی‌ثباتی، ناپایداری، بی‌استحکامی، گریزپایی و رهایی و عروج نیز هست. در شعر پروین دولت‌آبادی، بیشترین بازتاب باد، دوگانگی آن است؛ از یک طرف پدیدآورنده «باران»، یعنی حیات و از طرف دیگر به وجودآورنده «توفان»، یعنی مرگ است. هر عنصر با توجه به نوع برون‌داد خود می‌تواند چهره‌های مختلفی در ذات و عملکرد خود داشته باشد؛ مانند زندگی‌بخشی، دوگانگی، کيفری و انتزاعی (مرز میان واقعیت و خیال) و در جلوه‌ها و تصویرسازی‌های مختلفی خود را نشان دهد.

باد و هوا عنصر غالب تخیل دولت‌آبادی است؛ البته با فضا سازی‌هایی نو و زیبا. پرواز، آواز، موسیقی، سرودخوانی و پرندگان بشارت‌دهنده همه از بازتاب‌های تخیلی این عنصر در شعر او است. عروج و اوج گرفتن در شعر او در کنار سفر و گریز از یک‌جا بودن، باد را دوگانه جلوه می‌دهد. در شعر او باد، هم ویرانگر است و سرد، هم پیام‌آور بهار، آرام‌بخش و گرم. ماهیت بیشتر اشعار او پیوند باد با عناصر دیگر است. چندین عنوان شعری او به باد و گفت‌وگوی آن با دیگر عناصر طبیعی اختصاص دارد. این نشانی از روح چندگانه زنانه است که در آن واحد می‌تواند نقش‌های متفاوتی را ایفا کند. در اندیشه او سقوط نیست و هر چه هست عروج و آرزوی رهاسدن است. خاک، تقدس و امنیت آن پایداری زنانگی‌اش را رقم می‌زند؛ آب پاکی و طراوتش را و آتش گرمای محبتش را به کودکانی که سرپناه‌شان داستان

و نگاه پرمهر مادرانه او است منتقل می‌کنند. تخیل دولت‌آبادی از همان گونهٔ کودکانه است. او سوار بر «اسب چوبی» می‌شود و با او سفر را شروع می‌کند. «سفر» یکی از بازتاب‌های قدرتمند عنصر باد است و دولت‌آبادی شاعر سفر و آواز طبیعت با رؤیاهای بزرگ برای کودکی کودکانه است.

با خوانش تعداد زیادی از اشعار دولت‌آبادی برای کودکان با هدف تأثیر بر برون‌دادهای تفکری و استعداد آن‌ها نتایج درخور توجهی به‌دست آمد که در این جا به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. البته عنصر باد و بازتاب‌های آن در شعرها نیز تحلیل شده‌است. در این جا تصویری انتخاب شده‌است که مربوط به دانش‌آموزانی است که ارتباط کم یا هیچ ارتباطی با عنصر باد و ماهیت شاعر برقرار نکرده‌اند.

فصلنامهٔ نقد و کتاب

نور و نور

سال سوم، شمارهٔ ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۷۸

۱. باد زندگی بخش و بشارت‌دهنده با جلوهٔ بهار

تمام بادهایی که بشارت‌دهنده و مایهٔ زندگی، رشد و بالندگی طبیعت هستند، زندگی بخشند. اشعار متعددی از دولت‌آبادی به این نوع ماهیت عنصری اختصاص دارد. از جلوه‌های زندگی بخش باد پیوند آن با عنصر خاک و جلوه‌های آن است. در شعر «باز می‌رسد بهار» عنصر خاک با نمود اصلی نارون از «باد» تقاضای بشارت بهار را می‌خواهد و باد گرم و رقصان تقاضای درخت را می‌پذیرد و نارون را سرسبز و بهاری می‌کند.

بازتاب تخیلی
عناصر طبیعی
چون آب، باد،
خاک و آتش یکی
از فضاهای اصلی
برون‌داد ماهیت
درونی شاعر کودک
است

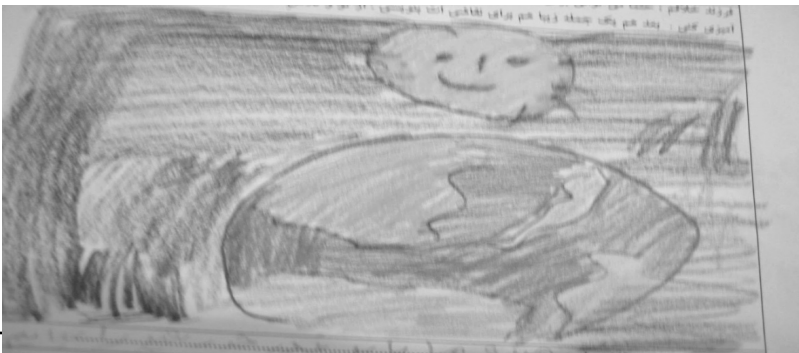
جدول شمارهٔ ۱. بازتاب عنصر باد در شعر «باز می‌رسد بهار»

شعر: «باز می‌رسد بهار»	نشانه‌ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
نارون به باد گفت: ای دم تو گرم آمدی که بر تنم کنی آن حریر نرم/باتو هر نفس بهار می‌دمد به پیکرم آمدی خوش آمدی بیا ... باد رقص کرد گرد نارون سربه‌سر پر از جوانه شد باغ خنده کرد و گل دمید نارون بهار را نشانه شد	نارون/ باد دم گرم/ تن حریر نرم/ نفس بهار/ پیکر/ باد گرد نارون سربه‌سر/ جوانه باغ خندهٔ گل/ نشانه	گفتن گرم بودن/ آمدن برتن کردن دمیدن/ باور کردن رقص کردن پرشدن خندیدن نشانه‌شدن	محدود: ای دم تو برتنم/ حریر نرم/ به پیکرم/ با تو/ بهار گرد نارون/ باغ/ نامحدود: هر نفس/ سربه‌سر پُرجوانه	باد زندگی بخش نشاط‌آور دیگر عناصر: خاک زندگی بخش

این شعر برای دانش‌آموزان خوانده شد. برخی مفاهیم تخیلی را به‌راحتی در تصاویر خود نقش کردند. آن‌ها طبیعت جاندار و بی‌جان را دارای ماهیت انسانی می‌پندارند. خندهٔ باغ، باد و... برای آن‌ها همان تداعی خندیدن خودشان است. چند نفر از دانش‌آموزان به

واژه رقص باد واکنش نشان دادند. دانش‌آموزی هشت ساله کره زمین را در آسمان کشید. ماهیت عنصری او در تصاویرش خاک در پیوند آتش است؛ اما زمین سیال در وسط آسمان نیز پیوند او را با باد نشان می‌دهد. او نگران خورشید است و دوست دارد برای آن کاری بکند. در اغلب تصاویر کیهان و خورشید حضور دارد. چند نفر از آن‌ها نیز ماهیتی دوگانه نسبت به ماهیت شعر از خود نشان دادند.

تصویر شماره ۱

نام شعر: «باز می‌رسد بهار»
آیا از شعر لذت بردی؟ خیلی زیاد زیاد * کمی
معنی شعر را فهمیدی؟ بله * خیر کمی
می‌توانی با توجه به آن چه شنیدی و فهمیدی چهار کلمه کلیدی بنویسی؟ ۱. زمستان ۲. بهار ۳. زمین * ۴. خورشید
حالا می‌توانی برای یکی از کلمات مورد علاقه خودت، در زیر نقاشی بکشی و یک جمله هم برایش بنویسی؟

جمله من: همه ما باید قدر خورشید را بدانیم و برایش کاری کنیم.
نتیجه‌گیری: الف) میزان ارتباط با شعر: زیاد، متوسط، کم * اصلاً ب) ماهیت عنصری دانش‌آموز: خاک * آب، باد، آتش * ج) بازتاب عنصری متفاوت با شعر: دارد *

۲. باد دوگانه (ویران‌گر / زندگی‌بخش – هشداردهنده / بشارت‌دهنده)
بیشتر بادهای جلوه‌گر در اشعار دولت‌آبادی دوگانه و در پیوند دیگر عناصر، مثل خاک و آب هستند.

با جلوه پاییز و زمستان

دولت‌آبادی در این شعر به‌طور مستقیم به عنصر باد و جلوه‌های آن پرداخته‌است. ریخت‌های منفی باد در شعر متجلی است؛ بسته‌شدن درها، دوربودن کوه، زردشدن سبزه‌ها، ماندن در سرما، نداشتن آشیان و... همه نشان‌گر ماهیت منفی باد سرما‌آور است. ولی او که دارای روحی عروجی و طالب امید به زندگی است، بلافاصله نویدآمدن بهار را می‌دهد که با آن برگشت گنجشک، آوازخوانی او و گرمابخشی حضور مهمان در خانه همراه است؛ بازهم اعتقاد به کهن‌الگوی رستاخیز طبیعت و حیات انسان. در این شعر دو جلوه اصلی باد، یعنی پرواز و پرنده، حضور دارند. پرواز جلوه زندگی‌بخشی و بشارت‌دهندگی است و گنجشک جلوه کیفی در بی‌آشیان‌بودن و گرسنگی و تشنگی.

فصلنامه نقد کتاب

نور و تاب

سال سوم، شماره ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۸۰

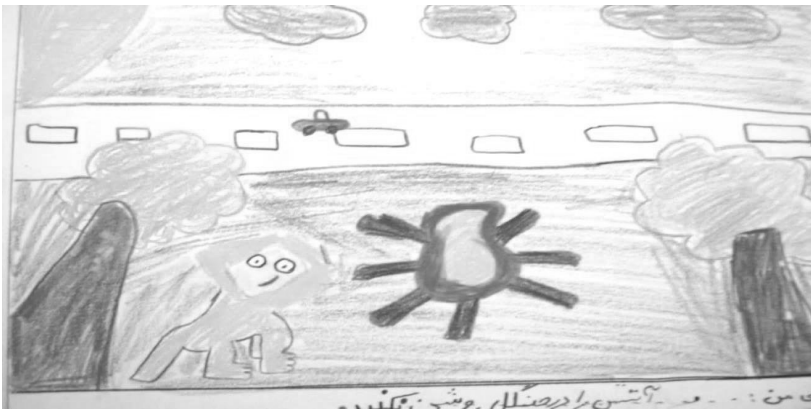
جدول شماره ۲. بازتاب عنصر باد در شعر «آمد باد»

ماهیت عنصری	فضاسازی	تحرك و پویایی	نشانه‌ها	شعر: «آمد باد»
باد(دوگانه)	محدود:	آمدن	باد سرد	باد آمد، باد آمد، باد سرد
بعد منفی: ویران‌گری	روی شیشه	سردکردن	خانه‌ها/ درها	باد آمد، خانه‌ها را سرد کرد
سردکننده/ یخ‌زننده	پرده تور این خانه/	بسته‌شدن	آتش/ خنده	بسته شد درها و آتش خنده کرد
زرد کننده	درون خانه	خنده کردن	نور/ صبح	نور آتش خانه را تابنده کرد
بی‌آشیان‌کننده	اطلس پوش	تابنده کردن	شیشه/ تور یخ	صبح روی شیشه شب‌نم ریخته...
بعد مثبت:	نامحدود:	ریختن/ آویختن	نغمه‌خوان	زردگون شد سبزه/ در دامن دشت
بشارت‌دهنده	خانه‌ها	نهادن/ آمدن	سرما/ آشیان	پُر کند این خانه از آوازا...
دیگر عناصر:	درها/ کوه دور	پرواز کردن	دانه و آب	چند روزی می‌شود مهمان ما
خاک دوگانه	دشت/ پروازها	پر کردن/ مهمان شدن	بهار/ پرواز	تا تواند باز/ پروازی کند
کیفری:	بهاران	توانستن/ باز آمدن	مهمان سفر	باز آید در بهاران از سفر
خانه‌های سرد درهای بسته		آواز خواندن	آواز	خانه پر، از گرم آوازی کند

در تمام تصاویر با ماهیت خاک و باد، جلوه‌های باد دیده شد؛ جز دانش‌آموزانی که دارای ماهیت آتش و آب بودند. یکی از دانش‌آموزان ردوبرق را کشیده بود. مائده

هشت‌ساله عاشق حیوانات و محیط‌زیست است؛ آتشی در کنار یک حیوان (شیر) کشیده‌است. (ماهیت آتش در پیوند خاک) در چندین تصویر او جاده وجود دارد. این ماهیت پویایی و حرکت را در درون او نشان می‌دهد. در اغلب تصاویر مائده راه و حیوان وجود دارد.

تصویر شماره ۲

نام شعر: «آمد باد»
آیا از شعر لذت بردی؟ خیلی زیاد، زیاد، کمی
معنی شعر را فهمیدی؟ بله، خیر، کمی
می‌توانی با توجه به آن چه شنیدی و فهمیدی چهار کلمه کلیدی بنویسی؟ ۱. هوهو، ۲. باد، ۳. گرم، ۴. جنگل
حالا می‌توانی برای یکی از کلمات مورد علاقه خودت، در زیر نقاشی بکشی و یک جمله هم برایش بنویسی؟

جمله من: آتش را در جنگل روشن نکنید.
نتیجه‌گیری:
الف) میزان ارتباط با شعر: زیاد، متوسط، کم، اصلاً
ب) ماهیت عنصری دانش‌آموز: خاک، آب، باد، آتش
ج) بازتاب عنصری متفاوت با شعر: دارد

– با جلوه باد بهاری و بادپاییزی (بشارت‌دهنده و زندگی‌بخش – هشداردهنده و ویران‌گر)
باد بهار بشارت‌دهنده است و باد پاییز هشداردهنده و هر دو آغاز یک تحول و تغییر بزرگ هستند.

جدول شماره ۳. بازتاب عنصر باد در شعر «بهار و خزان»

شعر: «بهار و خزان»	نشانه‌ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
باد می‌آید گرم باد می‌آید سرد برگ‌ها روزی سبز برگ‌ها روزی زرد/ آورد باد بهاری بر درختان پوشاک ریزد از باد خزان/ برگ‌ها از تن خاک برگ‌ریزان و خزان قصهٔ آمدن پاییز است بر لب باد بهار حرفی از شادی مهرانگیز است	باد گرم باد سرد/ برگ‌ها سبز/ زرد باد بهاری درختان/ پوشاک باد خزان از تن خاک برگ‌ریزان/ خزان قصه/ پاییز لب/ شادی	آمدن آوردن ریختن قصه‌بودن حرف شادبودن	محدود: باد گرم باد سرد باد بهاری پوشاک/ باد خزان/ از تن خاک برگ‌ریزان/ خزان پاییز/ لب حرفی نامحدود: برگ‌ها/ درختان	باد دوگانه زندگی‌بخش/ ویران‌گر دیگر عناصر: خاک دوگانه زندگی‌بخش/ ویران‌گر

فصلنامهٔ نقد و کتاب

نقد و کتاب

سال سوم، شمارهٔ ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۸۲

این شعر در تصاویر ماهیتی کاملاً دوگانه داشت. فقط دانش‌آموزانی که دارای عنصر غالب آتش یا آب بودند، تصاویر متفاوتی را خلق کردند. یکی از دانش‌آموزان گفت: خیلی جالب است وقتی باد گرم می‌شود، کولر می‌زنیم و وقتی باد سرد می‌شود، بخاری روشن می‌کنیم. (تفکر انتقادی و درعین‌حال خلاق) او در یکی از نقاشی‌های خود در زمستان برای گل‌ها، بخاری کشیده بود. (پیوند آب کیفری و آتش زندگی‌بخش) یکی دیگر منظره‌ای بهاری کشیده بود. (ماهیت خاک زندگی‌بخش) یکی از دانش‌آموزان در تصویر خود راهی کشیده بود که آدمی از آن می‌گذشت؛ یک طرف سبز و یک طرف زرد و فرشته‌ای بر بالای ابرها بود. (تفکری خلاقانه با ماهیت عروجی و دارای ماهیت عنصری باد انتزاعی در پیوند عنصر خاک کیفری) میلاد دانش‌آموز نُه‌ساله که تک‌فرزند، آرام و منضبط بود برای درخت خود لباس کشید. (انسان‌پنداری) او دارای ماهیت عنصری خاک زندگی‌بخش در پیوند دیگر عناصر است. اغلب تصاویر میلاد دارای پوشاک و لباس‌های مختلف برای محیط اطراف است. او شدیداً به درختان عشق می‌ورزد و در اغلب نوشته‌ها و جمله‌سازی‌های خود از درخت استفاده می‌کند.

تصویر شماره ۳

نام شعر: «بهار و خزان»
آیا از شعر لذت بردی؟ خیلی زیاد، زیاد، * کمی
معنی شعر را فهمیدی؟ بله، *، خیر، کمی
می توانی با توجه به آنچه شنیدی و فهمیدی چهار کلمه کلیدی بنویسی؟ ۱. باران، ۲. درخت، ۳. بهار، ۴. سرد*
حالا می توانی برای یکی از کلمات موردعلاقه خودت، در زیر نقاشی بکشی و یک جمله هم برایش بنویسی؟

جمله من: از سرما درخت ها لباس گرم پوشیدند.
نتیجه گیری:
الف) میزان ارتباط با شعر: زیاد، متوسط، *، کم، اصلاً ب) ماهیت عنصری دانش آموز: خاک، *، آب، باد، *، آتش ج) بازتاب عنصری متفاوت با شعر: دارد

دولت آبادی در آغاز شعر «آواز باد» از زبان باد، به طور مستقیم بُعد مثبتش را که تمایلی شدید و درونی به آن دارد، متجلی می کند. باد قاصد و پیام رسان است. شاید پیغام درونی ناخودآگاه شاعر در این شعر همان دمیدن صور اسرافیل در دو گاه باشد که با دمی همه را می میراند و در دم دیگر همه را زنده می کند. همچنین پیغام باد این است: «زمستان آمد، همه بخوابید و بهار خواهد آمد، همه برخیزید.» مجموعه واژه های مرتبط با باد، مانند: «آواز و نغمه و ترانه و سرود و دعا»، «پیچیدن و تابیدن و رقص»، «دمیدن و نفس و هوا و دم»، «آسمان و ابر و ستاره و بخار»، «پرندگان و پرواز و حشرات بالدار و پروبال»، «سفر و مهاجرت، رفت و آمد و بازگشت»، «خواب و رؤیا و خیال و فرشته» و بسیاری از بازتاب های دیگر در شعر آورده شده است که شاعر به طور مستقیم و غیر مستقیم و در پیوند دیگر عناصر به آن ها توجه خاص دارد. این بازتاب ها بیشتر در ماهیت دوگانگی باد جلوه گردند.

نگاهی به عناوین شعری او مانند: «آواز رود»، «آواز باران»، «ترانه سحری»، «سرود صبح»، «آواز خروس»، «آواز جویبار» و... توجه او را به موسیقی و نوای طبیعت نشان می‌دهد و این حقیقت را آشکارتر می‌کند که آواز یکی از جلوه‌های باد و هواست و بیشتر در نتیجه ظرافت و چندگانگی ماهیت زنانه متجلی است. در جایی باد آواز می‌خواند و پیغام خود را به همه می‌رساند و در جایی دیگر رود که جلوه آب است، سرود می‌خواند؛ یعنی دمی دارد که از باد برانگیخته می‌شود. با این جلوه، عنصر غالب تخیل شاعر، در آب و خاک و آتش جریان دارد و می‌تواند همه چیز را تحت الشعاع خود قرار دهد.

فصلنامه نقد کتاب

نقد و پژوهش

سال سوم، شماره ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۸۴

باد اغلب در آوازهای شبانه و رقص برگ‌ها و چمن‌زار، باران را نوید داده‌است. پس از این شادمانگی، ناگهان خشم خود را نشان می‌دهد. خود را نسیم و باد معرفی می‌کند و ناگهان نام گردباد بر خود می‌گذارد. در این شعر، باد زنده است و سخن می‌گوید. جاندارپنداری عناصر طبیعی در شعر کودک جزو صور خیال رایج و فراوان است؛ زیرا کودک همه اشیا اطراف خود را زنده می‌داند، با آن‌ها همراه می‌شود و آن‌ها سخن می‌گوید. شاعر نیز از این موهبت بهره‌مند است که چنین پنداری درباره اطراف خود داشته باشد. باد آوازه‌خوانی رها و بی‌جاومکان است و همه‌جا را از آن خود می‌داند. البته کیفری بودن و عذاب‌آوری عناصر اربعه، به‌طور واضح و مستقیم در اشعار او نیامده‌است.

مسلماً دانش‌آموزان نسبت به این شعر واکنشی متفاوت‌تر از خود نشان دادند. کنجکاوی برخی از آنان به محتوای شعر و عمق واژگان برانگیخته شده بود. قبل از نوشتن جمله‌های خود سؤال‌های جالبی پرسیدند: «چرا باد نمی‌تونه یک‌جور باشه؟ گردباد خونه‌ها رو هم خراب می‌کند؟ گردباد دشمن ماست؟ و...» آن‌ها به تفکر واداشته شده بودند و حتی تمایل داشتند به‌نوعی شعر را نقد کنند. یکی از دانش‌آموزان نیز پرسید: «خانم آواز را چگونه می‌کشند می‌خواهم باد آوازه‌خوان را بکشم.» حسین نه‌ساله درباره مضمون نقاشی منحصر به فردش گفت: «باد وقتی خشمگین شود سونامی می‌آورد و خدا هم وقتی از دست آدم‌ها عصبانی شود توفان می‌آورد؛ مثل توفان نوح.» البته تخیل او با وجود دانش مدرن و شنیداری‌اش (درباره سونامی) ریشه در کهن‌الگوی «توفان آغازین» دارد. این شعر، ذهن کودک را وادار کرده تا ناخودآگاهی‌اش را نسبت به عناصر اربعه با جلوه کیفری باد، آشکار کند. (حسین کلاس نقاشی می‌رود و استعداد خوبی دارد. او مطالعه را خیلی دوست دارد و روحیه پرسش‌گری دارد.) ماهیت عنصری او آب عمیق در پیوند باد کیفری است. دریا در تمام تصاویر او حضور دارد. این بازتاب علاقه حسین در نقاشی‌ها و جمله‌ها، فعالیت ذهنی او را در محدوده امور دریایی به‌روشنی نشان می‌دهد.

تصویر شماره ۴

نام شعر: «آواز باد»
آیا از شعر لذت بردی؟ خیلی زیاد*، زیاد، کمی
معنی شعر را فهمیدی؟ بله*، خیر، کمی
می توانی با توجه به آن چه شنیدی و فهمیدی چهار کلمه کلیدی بنویسی؟ ۱. آواز، ۲. توفان*، ۳. خزان، ۴. باد
حالا می توانی برای یکی از کلمات موردعلاقه خودت، در زیر نقاشی بکشی و یک جمله هم برایش بنویسی؟

جمله من: باد وقتی خشمگین شود سونامی می آورد و خدا هم وقتی از دست آدمها عصبانی شود توفان می آورد؛ مثل توفان نوح.
نتیجه گیری: الف) میزان ارتباط با شعر: زیاد*، متوسط، کم، اصلاً ب) ماهیت عنصری دانش آموز: خاک، آب*، باد، آتش ج) بازتاب عنصری متفاوت با شعر: دارد

گرچه در اغلب شعرهای دولت آبادی عنصر باد، همان بازتاب چندگانه را دارد و نمود عنصری آن یک بعدی نیست، اما با کمی دقت به برون داد متفاوت تخیلی آن عنصر در فضای شعر می توان پی برد که در این شعر، باد با سه حالت خود پدیدار می شود و فضاسازی ها عروجی می شوند. (نسیم و آهستگی و حوض خانه؛ باد تند و جابه جایی ابرها در آسمان، آمدن توفان و خوردن ابرها به هم و رعدوبرق شدن و آمدن باران تند و برف روی بام خانه) حرکت موج و پر از تحرک این شعر و فرازونشیب های آن کاملاً حس جنبش را به مخاطب القا می کند و موسیقی فضای آغازین خلقت را به یاد می آورد. «نمادهای عروج با یک حرکت عمودی و با ترک کردن قطب مخالف خود که همان مکان پایین، خانه و... است سعی می کند به بالا رفته و صعود کند.» (عباسی، ۱۱: ۱۳۸۱)

دولت آبادی همیشه از سرما، تنهایی و تغییر می هراسد؛ اما ظرافت و روح زنانه او که

نیاز به آرامش و نشاط دارد مانند نسیمی آرام است که فقط روی آب (نماد زنانگی) را چین چین می‌کند. اما همیشه این آرامش را خشمی پنهان یا حادثه‌ای غیرمنتظره تغییر می‌دهد و شاعر این دگرگونی و وحشت درونی خود را در تغییر حالت و چهره باد نشان داده‌است. او با کمک باد، چهره عنصر آب را از یکجانشینی و نداشتن تکاپو در داخل حوض به تحرک و پویایی می‌رساند. (چین چین می‌شود.) تبدیل شدن آن به سرما و باران تند و سپس برف، ریشه در کهن‌الگوی مرگ دارد که همیشه همراه بُعد دیگر تخیل دولت‌آبادی، یعنی کودکانه‌بودن و امیدداشتن، هست.

بازتاب باد هراس‌انگیز (کیفری و تغییردهنده) در تصاویر دانش‌آموزان گوناگون است. مثلاً آن‌ها که دارای ماهیت عنصر باد نبودند در یک واکنش درونی با برون‌داد خلاقانه، آسمان ابری کشیده بودند که خورشید کاملاً کنار آن بود و باران قطره‌قطره روی سبزه‌ها و درختان سرسبز می‌ریخت. (اما در کنار تفکر شاعر در ماهیت عنصری غیر از آن) یا مادری را ترسیم کرده بودند که در آشپزخانه ظرف می‌شوید و خود او با آرامش در کنار مادر، ماشین بازی می‌کند. (تفکر انتقادی با برون‌داد ماهیت کهن‌الگوی مادر برای رسیدن به امنیت از خشم طبیعت)

فصلنامه نقد کتاب

نور و نور

سال سوم، شماره ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۸۶

با جلوه پرواز و پرندگان و حشرات بالدار

یکی از مهم‌ترین معانی نمادین پرنده در عرفان اسلامی، روح یا جان انسان است؛ بدین معنا که روح به‌صورت ذات بالدار تصور شده که به‌سوی عالم افلاک که موطن اصلی اوست، پرواز می‌کند. قائل‌شدن بال‌وپر برای روح یا نفس، رمزی بسیار کهن است و نمونه‌های متعدد دارد. «بال‌وپر، آن قسمت از تن است که از همه اعضای دیگری به خدا نزدیک‌تر است؛ چه خاصیت طبیعی آن گرایندگی به‌سوی آسمان‌ها و بردن تن به آن‌جاست.» (افلاطون، ۳۶۲: ۱۳۷-۸) در اشعار دولت‌آبادی پرندگان، آواز، پرواز، بهار، کار و صبح در پیوند با یکدیگرند. پرواز جلوه‌ای بیشتر از خود پرندگان دارد. روح او اوج گیرنده و عروجی است؛ اما پرندگانی که در شعر او جای دارند بیشتر از نوع یکجانشین و خانگی و اغلب از نوع کوچک و ظریف و بشارت‌دهنده‌اند. آنیموس در او عروج طلب و متغیر و در آرزوی رهایی است؛ ولی زنانگی او به سطح و خاک تمایل دارد. در بسیاری از اشعار او باد ویران‌گر، جای خود را به باد بهاری می‌دهد و بشارت این تغییر و تبدیل پرندگانی چون پرستو، بلبل، چلچله و چکاوک‌اند که با نغمه و آواز، آمدن بهار و امید دوباره زندگی را به طبیعت بشارت می‌دهند. خروس بشارت‌دهنده صبح و روزی تازه است و پرستو و گنجشک نویدبخش تلاشی دیگر و بهار. مثلاً در شعر زیر کلاغ جلوه‌ای از عنصر باد دوگانه است.

با جلوه کلاغ در پیوند خاک زندگی‌بخش (تغییردهنده - بشارت‌دهنده)

کلاغ در بیشتر فرهنگ‌ها نماد هشداردهندگی است. آواز او اغلب نخراشیده و خبرسان

پاییز و خزان است. اما در برخی از فرهنگ‌ها با نگرشی متفاوت، کلاغ را خوش خبر می‌دانند. در رسیدن صبح، شروع کار و تلاش نیز آغاز فصل درس و مدرسه او بشارت‌دهنده است. دولت‌آبادی در این قصه‌واره، کلاغ را بشارت‌دهنده معرفی می‌کند.

جدول شماره ۴. بازتاب عنصر باد در شعر «کلاغ پیر باغ ما»

شعر: «کلاغ پیر باغ ما»	نشانه‌ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
آی بی‌بی جون قصه بگو قصه بی غصه بگو / قصه مرغ آسمان ستاره‌های کهکشان / قصه باغ بی بی جان باغ و بار بی خزان خوب، یکی بود یکی نبود... کلاغ پیر باغ ما / باز اومده سراغ ما نگاه کنید به قار قارش وقتی زمستان سر اومد / خبر میده بهار آمد بچه‌ها، وقت کار آمد قار، قار، قار، بهاره ... بهاره، وقت کاره	بی بی جون قصه بی غصه مرغ آسمان باغ / بی خزان ... درخت بارور شکوفه‌ها مروارید / پرده کلاغ پیر / پونه و ریحان خیر / وقت کار	قصه گفتن بی غصه گفتن یکی بودن و نبودن ... پرده کشیدن باز آمدن نگاه کردن گوش کردن سر آمدن در آمدن / خبر دادن وقت کار آمدن	محدود: قصه بی غصه مرغ آسمان باغ بی بی جان ... درخت بارور پرده / کلاغ پیر وقت کار نامحدود: ستاره‌ها کهکشان روشاخه‌ها	باد دو گانه امید دهنده / رهای بی بخش دیگر عناصر: خاک زندگی بخش بارور کننده

بیشتر دانش‌آموزان کلاغ را دوست ندارند و در دلشان هراسی پنهان از او موج می‌زند. شکل او را زشت می‌دانند و از رنگ او خوششان نمی‌آید. این ریشه در عقاید و خرافات خانوادگی و اجتماعی آن‌ها دارد. در تصاویر آن‌ها بهار و بی‌بی قصه‌گو و... بود و پرنده‌ای به شکل کلاغ جز در دو سه نمونه مشاهده نشد. باد در دانش‌آموزانی که دارای ماهیت عنصری آن بودند کاملاً جلوه‌گر شد؛ ولی غالباً بدون حضور کلاغ. (حتی از نوع بشارت‌دهنده) فقط در چند تصویر، نوعی تفکر خلاق و البته انتقادی به باور عمومی مشاهده شد. یک دانش‌آموز کلاغی را کشید که رنگ‌های مختلف داشت و با آمدن بهار او نیز زیبا شده بود. نسرين ده ساله باهوش، تک‌فرزند و دارای ایده‌های جالب و خلاقانه بود و در تصویر خود نوعی تفکر خلاق از خود نشان داد. او کلاغی را کشید که رنگ‌های مختلف داشت و با آمدن بهار، زیبا و رنگی شده بود. نسرين در تمام نقاشی‌های خود از رنگ‌های متنوع و شاد استفاده می‌کند و نظم ویژه‌ای به محیط و فضای تصاویر خود می‌دهد. او عاشق رنگ‌هاست و آرزوی نقاش‌بودن، ساخت آثار مینیاتوری و... در آثار او موج می‌زند.

تصویر شماره ۵

نام شعر: «کلاغ پیر باغ ما»
آیا از شعر لذت بردی؟ خیلی زیاد*، زیاد، کمی
معنی شعر را فهمیدی؟ بله*، خیر، کمی
می توانی با توجه به آن چه شنیدی و فهمیدی چهار کلمه کلیدی بنویسی؟ ۱. کلاغ*، ۲. باد، ۳. خزان، ۴. بهار
حالا می توانی برای یکی از کلمات مورد علاقه خودت، در زیر نقاشی بخشی و یک جمله هم برایش بنویسی؟

جمله من: این کلاغ رنگ بهار شده است.
نتیجه گیری: الف) میزان ارتباط با شعر: زیاد*، متوسط، کم، اصلاً ب) ماهیت عنصری دانش آموز: خاک، آب، باد*، آتش ج) بازتاب عنصری متفاوت با شعر: دارد

با جلوه مرغ آهنین و سفر (فرارونده و فرورونده)

در این شعر، دولت آبادی بازهم آرزوی پرنده بودن دارد تا به سفر خود بپردازد. مرغی که او تصویر می کند آهنین بال است که می تواند در کهکشان ها پرواز کند.

جدول شماره ۵. بازتاب عنصر باد در شعر «روزی سفر»

شعر: «روزی سفر»	نشانه ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
روزی سفر آغاز می گردد درهای شادی بازمی گردد پر می گشایم همچو مرغی شاد با بال مرغ آهنین در باد پرواز و پروازی دگر خواهیم...	سفر/ درهای شادی مرغ شاد بال/ مرغ آهنین باد پرواز فضا/ دنیا گسترده...	آغاز شدن باز شدن/ پرگشودن پرواز خواستن پرگشودن راه جستن زیر پر گرفتن اثر گرفتن	محدود: مرغ آهنین/ دیوار سرای ماه/ زیر پر نامحدود: سفر/ درها/ در فضا برکهکشان ها هفت آسمان	باد دوگانه امیددهنده/ رهایی بخش/ آگاهی دهنده دیگر عناصر: خاک نویدبخش

آن چه دانش آموزان را در این شعر بیشتر به خود جلب کرد دنیای تخیلی و البته واقعی دولت آبادی بود. آن ها نیز دوست داشتند با دובال آهنین پرواز کنند و شکلی چون هواپیما و موشک در تصاویر آن ها جلوه گر شد. البته این به آن معنا نبود که حتماً دارای استعداد نهفته عروج طلبی باد باشند، بلکه در تمام نقاشی های آن ها ظرافت پنهان خواسته هایشان پیدا بود. یکی از دانش آموزان روایتی پرنده کشید؛ نوعی ابرقهرمان در ذهن او تداعی پیدا کرد که بیشتر برگرفته از پیش فرض های ذهنی او مثلاً در تلویزیون بود. از تصاویر درخور توجه درباره این شعر، یک نقاشی بود که در آن پرنده ای در میان آتش (ققنوس) کشیده بود. این دانش آموز نه ساله در بیشتر تصاویر خود بدون هیچ پیش فرضی از افسانه ها و اساطیر، نمادی از کهن الگوهای جمعی و مضامین اسطوره را کشیده است.

تصویر شماره ۶

نام شعر: «روزی سفر»
آیا از شعر لذت بردی؟ خیلی زیاد، زیاد*، کمی
معنی شعر را فهمیدی؟ بله*، خیر، کمی
می توانی با توجه به آن چه شنیدی و فهمیدی چهار کلمه کلیدی بنویسی؟ ۱. آتش، ۲. سفر، ۳. پرنده*، ۴. شهر
حالا می توانی برای یکی از کلمات مورد علاقه خودت، در زیر نقاشی بکشی و یک جمله هم برایش بنویسی؟

جمله من: همه جا آتش گرفت و مرغ می خواهد فرار کند.
نتیجه گیری: الف) میزان ارتباط با شعر: زیاد، متوسط، کم*، اصلاً ب) ماهیت عنصری دانش آموز: خاک، آب، باد، آتش* ج) بازتاب عنصری متفاوت با شعر: دارد

با جلوه پروانه (بشارت دهنده گی / زودگذری عمر - فداکاری و البته زیبایی و لطافت) حشرات در اشعار کودکانه دارای جلوه هایی ویژه هستند. کودکان از حشرات، شعرها و داستان های مربوط به آن ها لذت می برند؛ حتی اگر از آن ها واهمه داشته باشند. دولت آبادی چندین شعر نیز با

برگ‌ریزان جلوه‌ای
از مرگ طبیعت
است و در اشعار
دولت‌آبادی باد این
وظیفه را به عهده
دارد که برگ‌های
سبز را به برگ زرد
تبدیل می‌کند و
سپس می‌میراند

عنوان پروانه و پروانه‌ها دارد که در تمام آن‌ها پروانه بشارت‌دهندهٔ بهار و رویش گل‌هاست. در این شعر نیز دولت‌آبادی تمام جلوه‌های پرواز و آواز را به کار برده است. کودکان پروانه‌ها را دوست دارند و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند؛ اما چند نفر از آن‌ها یا به صورت کاملاً افراطی در تمام نقاشی‌ها از حشرات پرنده استفاده کرده‌اند یا اصلاً پروانه را دوست نداشتند و هیچ ارتباطی با حشرات نداشتند. رضا نه‌ساله می‌خواست مزرعه‌ای از حشرات برای خود داشته باشد. او تمام حشرات را دوست دارد و برای آن‌ها نقشه‌های زیادی می‌کشد. حتی در ذهن رضا، شهری است مخصوص همهٔ حشرات و رئیس شهر او یک ملخ است و ملکهٔ آن پروانه.

باد انتزاعی (خیال، رؤیا و خواب، فرشته، پری و...)

برخی از موجودات خیالی در عالم تخیل به صورت افسانه، رؤیا و... شکل می‌گیرند؛ موجوداتی چون پری، فرشته، غول، دیو، اسب شاخ‌دار، اسب پرنده و وسایلی که شکل‌های عجیب و غریب دارند. البته بسیاری از اشیایی که در گذشته دور تصویری خیالی بودند و اکنون با کمک تکنولوژی و پیشرفت علم، اختراع شده‌اند و چه‌بسا بسیاری از موجودات خیالی نیز یا در گذشته واقعیت داشته‌اند و اکنون تنها رد پای از آنان در ذهن انسان به جای مانده است یا در آینده آشکار یا ساخته خواهند شد. تمام موجودات خیالی فضایی، بالدار و متحرک در آسمان جلوه‌ای از عنصر باد هستند. خیال و خیال‌پردازی بخشی از زندگی انسان است و این نوع تصویرسازی ساختگی است و جزو تصورات ثانویهٔ یک فرد است. باد با «جلوهٔ خیال» در شعر زیر از آن دسته‌اند.

جدول شماره ۶. بازتاب عنصر باد در شعر «قایقی بر ابرها»

شعر: «قایقی بر ابرها»	نشانه‌ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
قایقی است بر ابرها روی آسمان می‌رود چه نرم تا به بیکران بازی خیال/ می‌برد مرا می‌رساند تا به ابرها ... شهر آسمان/ آن دیار دور هست جای من/ سرزمین نور آن سفر مرا/ کی رود ز یاد هم‌نشین ابر/ هم‌کلام باد	قایق/ ابرها آسمان/ بیکران بازی خیال پایه‌پا/ باد/ امید شهر آسمان دیار دور جای من سرزمین نور سفر/ هم‌نشین	بودن رفتن بردن رساندن از یاد رفتن هم‌نشین بودن هم‌کلام بودن	محدود: قایق/ هم‌نشین ابر هم‌کلام باد نامحدود: ابرها/ روی آسمان بیکران/ بازی خیال پایه‌پای باد شهر آسمان دیار دور/ آن سفر	باد انتزاعی فرارونده/ زندگی‌بخش دیگر عناصر: خاک نگه‌دارنده آتش روشنایی‌بخش

دانش‌آموزان تصاویر زیبایی از این ماهیت عنصری کشیدند. آسمان آن‌ها از وسایل خیالی در حال پرواز پر شده بود و البته تنها دانش‌آموزانی ارتباطی مستقیم با این شعر برقرار نکردند که دارای ماهیت عنصری غیر از باد انتزاعی یا اصلاً باد بودند. یکی از دانش‌آموزان که

البتّه دارای تفکر انتقادی و منطقی بود، چنین تصاویری را دروغین و در خواب‌ها معرفی کرد. (واقع‌گرایی و بُعد تعلّلی ذهن او کاملاً در نقاشی‌ها بازتاب داشت.) تصویر او قایقی ترسیم شد که بر آب دریا بود. دولت‌آبادی چندین شعر دربارهٔ خواب و پری دارد که به جز یک مورد، بقیه برای نوجوانان و بزرگسالان سروده شده‌است. پری استعاره از خواب است که به چشم کودک می‌آید و در سرزمین خیالی رؤیاهای شبانه، هم‌بازی او می‌شود. تصویر خیالی پری در اغلب تصاویر دانش‌آموزان، مانند فرشته‌ها بالدار و سیال بود. مریم هشت‌ساله تصویر بهشت و فرشتگان را کشیده بود او در تمام نقاشی‌های خود بعد مذهبی و روایت‌های سنتی و تا حدودی خرافی را انعکاس داده‌است. او علاقه دارد یک مبلغ مذهبی باشد تا همه را به بهشت راهنمایی کند. مریم کوچولو اصلاً در محیط مذهبی رشد نکرده‌است.

۳. بادکیفری (تغییردهنده/ ویران‌گر) با جلوهٔ برگ‌ریزان و خزان

در طبیعت برگ‌ها پس از یک دوره شکنجه و تغییر از سبزی به زردی می‌گیرند و سپس با ضربات باد تند و سرد به زمین می‌ریزند و نابود می‌شوند. دولت‌آبادی تصویر خزان و باد سرد را در چندین شعر خود می‌آورد؛ اما آن‌چه او را متفاوت می‌کند همان دوگانگی باد است؛ چهره عوض می‌کند و بشارت رستاخیزی دیگر را به طبیعت می‌دهد. این اشعار، نماد حضور هر چهار عنصر و دخل و تصرف آنان در پیدایش و آفرینش جهان است؛ جابه‌جایی، دگرگونی، زایش، رفت و بازگشت. نشان‌گر کهن‌الگوی معنایی «انا لله و انا الیه راجعون» است. نوزایی در این شعر از اهمیتی ذاتی برخوردار است که دولت‌آبادی به آن «یقین» کامل دارد. او چهرهٔ کاملی از باد کیفری و نابودکنندگی آن را به تصویر می‌کشد و در انتهای شعر، آرزوی آمدن بهار را به باغ جان نوید می‌دهد. «برگ‌ریزان» جلوه‌ای از مرگ طبیعت است و باد این وظیفه را در اشعار او بر عهده دارد که برگ‌های سبز را به برگ زرد تبدیل می‌کند و سپس می‌میراند.

جدول شماره ۷. بازتاب تخیلی باد در شعر «برگ‌ریزان»

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	شعر: «برگ‌ریزان»
باد کیفری در پیوند خاک بشارت‌دهنده	محدود: به دست باد ... به سازِ باد خواب درخت زیر خاک/ بسته چشم ... زمین پاک فصل نوبهار/ باغ نامحدود: سبز برگ‌ها شعله‌های آتش رقص بادها پرشکوفه	زردشدن ریختن چرخ‌زدن دل شکن بودن ... ریشه‌کردن چشم‌پستن پانهادن سوختن به‌باددادن در راه‌بودن پرشکوفه بودن	سبز برگ‌ها دست باد/ خاک شعله‌های آتش رقص یادها ... غم‌فزا درخت/ خواب ... زیر خاک بسته چشم برگ‌ریز/ فصل نوبهار/ ره باغ جان/ شکوفه	سبز برگ‌ها به دست باد زرد شد به خاک ریخت ... برگ‌ها به ساز باد چرخ می‌زنند در هوا ساز بادها چه دل شکن رقص بادها چه غم‌فزا ... ریشه کرده زیر خاک بسته چشم خود ز آفتاب ... برگ‌ریز داد، کهنه را به باد فصل سبز نوبهار در ره است باغ جانت ای بهار/ پر شکوفه باد

دیگر عناصر:

آتش کیفری
(سوختن برگ)

برگریزان جلوه‌ای از مرگ طبیعت است و در اشعار دولت‌آبادی باد این وظیفه را به‌عهده دارد که برگ‌های سبز را به برگ زرد تبدیل می‌کند و سپس می‌میراند. در تصاویر دانش‌آموزان برگ‌ریزان پاییزی جلوه‌گر بود. آن‌ها تصاویر زیبایی از آن در ذهن داشتند؛ اما چند تصویر بُعد کیفی باد و خاک مرگ‌آفرین را نشان می‌داد. در تصاویر آذرنوش در بازتاب این شعر، باد کیفی نیست، بلکه اغلب پرندگانی هستند که بشارت‌دهنده یا نماد روح عروجی‌اند. در تصویر ناصر، خورشید با رنگ قهوه‌ای پررنگ و نزدیک به زمین است و باعث خشک شدن گل شده‌است. (آتش کیفی در پیوند خاک نگه‌دارنده و مرگ‌آور) ناصر خورشید را عامل نابودی جنگل‌ها و گیاهان می‌داند. گرچه این طرز فکر او ریشه در مشکلات خانوادگی او دارد؛ اما آن چه اهمیت دارد این است که ناصر عاشق گیاهان است و در اغلب تصاویرش گلخانه و گل وجود دارد.

تصویر شماره ۷

فصلنامه نقدکتاب

نقد و پژوهش

سال سوم، شماره ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۹۲

بیشترین جلوه باد
در اشعار او، نقش
پرواز و سفر است

نام شعر: «برگریزان»
آیا از شعر لذت بردی؟ خیلی زیاد، زیاد، کمی
معنی شعر را فهمیدی؟ بله، خیر، کمی
می‌توانی با توجه به آن چه شنیدی و فهمیدی چهار کلمه کلیدی بنویسی؟ ۱. خورشید، ۲. باد، ۳. پاییز، ۴. خشک شد
حالا می‌توانی برای یکی از کلمات موردعلاقه خودت، در زیر نقاشی بخشی و یک جمله هم برایش بنویسی؟

جمله من: آفتاب داغ بود و گل خشک شد.
نتیجه‌گیری: الف) میزان ارتباط با شعر: زیاد، متوسط، کم، اصلاً ب) ماهیت عنصری دانش‌آموز: خاک، آب، باد، آتش ج) بازتاب عنصری متفاوت با شعر: دارد

دانش‌آموزان تمایلی به خزان و سردی ندارند؛ مگر همان برف‌بازی و شادی‌های کودکانه. شنیدن اشعاری با مضمون خزان و پاییز، باد، سرما و مرگ، ترس پنهان آن‌ها را بروز داد و آن‌ها را وادار به پرسش‌گری و کنجکاوی کرد. در تصاویر چند نفر، مرگ طبیعت و حضور باد و رعدوبرق (خشم طبیعت) کاملاً آشکار بود. دو نفر از دانش‌آموزان کاملاً منظره‌ای بهاری کشیدند. (گریز از واقعیت و تفکر انتقادی با ماهیت خاک زندگی‌بخش) سعید ده ساله فرزند سوم، گوشه‌گیر، بهانه‌جو و تحت نظارت خواهر بزرگ‌تر، بُعد کیفی باد و خاک را نشان داد. او تصویر برگ‌ریزانی را کشیده‌است که پرنده‌ای روی قبر است. سعید در اغلب تصاویر خود چنین فضایی را ترسیم کرده‌است. او مرتب از گورستان و تنهایی مرده‌های زیر خاک صحبت می‌کند. او می‌خواهد دارویی درست کند که آدم‌های زیر خاک هم بتوانند نفس بکشند و زندگی کنند.

تصویر شماره ۸

نام شعر: «برگ‌ریزان»
آیا از شعر لذت بردی؟ خیلی زیاد، زیاد، کمی
معنی شعر را فهمیدی؟ بله، خیر، کمی
می‌توانی با توجه به آن چه شنیدی و فهمیدی چهار کلمه کلیدی بنویسی؟ ۱. مرگ، ۲. باد، ۳. پاییز، ۴. پرنده
حالا می‌توانی برای یکی از کلمات موردعلاقه خودت، در زیر نقاشی بکشی و یک جمله هم برایش بنویسی؟

جمله من: وقتی پاییز می‌آید برگ‌ها روی زمین می‌ریزند و می‌میرند.
نتیجه‌گیری:
الف) میزان ارتباط با شعر: زیاد، متوسط، کم، اصلاً
ب) ماهیت عنصری دانش‌آموز: خاک، آب، باد، آتش
ج) بازتاب عنصری متفاوت با شعر: دارد

موارد یادشده فقط نمونه‌هایی هستند که از صدها تصویر تحلیل‌شده از دانش‌آموزان استخراج شده‌اند و نشان‌گر تأثیر ماهیت عنصری شعر و شاعر بر مخاطب کودک‌اند. این اشعار باعث شد آن‌ها با کشیدن تصاویر متعدد و نوشتن جمله‌هایی ویژه به برون‌ریزی ماهیت درونی خود، ارتباط با شعر و بروز برخی از استعدادهای نهفته خود دست یابند.

سخن آخر

دولت‌آبادی شاعر طبیعت و عناصر اربعه است. به دلیل بسامد زیاد کاربرد عنصر باد و جلوه‌های مختلفش، ماهیت عنصری و تخیلی او باد دوگانه و عروجی در پیوند دیگر عناصر است. بیشترین جلوه باد در اشعار او، نقش پرواز و سفر است. آواز و رقص از بازتاب‌های معنایی این عنصر در اشعار او است. آب در اشعار او دارای کارکردها و نقش‌های مختلفی است. آب راكد دارای الهام‌بخشی متفاوت و متضادی با آب روان و جاری است. شاید خصلت زنانه او پرهیز از برون‌ریزی فضایی داشته‌است و این تمایل به خاک و یکجوابدن بازتاب آن است. آب، عنصری شکننده است؛ از این‌رو یکی از نشانه‌های مؤنث‌بودن آب نیز به‌شمار می‌آید. خاک عنصری زنانه و کهن‌الگوی مادر مثالی، بهشت موعود، آرمان شهر و تولید و تولد دائمی طبیعت و زندگی است. از جلوه‌های عمده این عنصر درخت نارون و کشتزار در اشعار او است. مادر نیز از دیگر جلوه‌های پررنگ این عنصر است. آتش بیشتر با جلوه آفتاب و خورشید در ماهیت زندگی‌بخشی و گرما و نوردهنده ظاهر می‌شود.

تقریباً بازتاب تخیلی ریخت منفی عناصر اربعه در اشعار دولت‌آبادی بسیار کم است؛ اما دانش‌آموزان ارتباط معنایی خوبی با اشعار او برقرار کردند. البته محتوای برخی از اشعار از حد سنی دانش‌آموزان فراتر بود. جالب‌ترین نکته این بود که دانش‌آموزان پسر با اشعار او بیشتر ارتباط برقرار کردند و بازتاب‌های مختلفی از خود بروز دادند. این نوع نگرش به شعر می‌تواند برای آموزگاران و اولیا کاربردی باشد و آن‌ها را یاری کند تا به‌دور از سلیقه و علاقه‌های خود به کودک و استعداد او احترام بگذارند و با درک و شناخت بهتر و عمیق‌تری از متون درسی و غیردرسی متناسب با دانش‌آموزان بهره بگیرند، به کشف توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه کودکان در همین سنین کودکی دست یابند و عمر او را به آرزوهای دست‌نیافتنی سپری نکنند.

پیوست

۱. «رومن یاکوبسن» یکی از فرمالیست‌های مرحله سوم یا مرحله نظام‌مدل روسی بود. او «عنصر غالب» را یکی از مفهوم‌های مهم فرمالیسم نظام‌مدل دانسته و آن را به‌عنوان «عنصر قانونی یک اثر هنری که سایر عنصرها را زیر کنترل و تحت‌فرمان دارد، تعیین می‌بخشد و تغییر می‌دهد» تعریف کرده‌است. به‌نظر او، «عنصر غالب» عامل پدیدآورنده کانون تبلور اثر هنری است و یگانگی یا سامان کلی آن را تسهیل می‌کند. او که هر تحول تازه هنری یا ادبی، کوششی است برای ناآشناسازی و پس‌زدن عنصر غالبی که بیش از حد مألوف

فصلنامه نقدکتاب

نور و تاب

سال سوم، شماره ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۹۴

دانش‌آموزان پسر
با اشعار او بیشتر
ارتباط برقرار کردند
و بازتاب‌های
مختلفی از خود بروز
دادند

و عادی شده است و جانشین کردن آن با عنصر غالبی نامأنوس و غریب. بنابراین تغییر و تحول صورت‌های شعری تصادفی نیست، بلکه نتیجه «جابه‌جایی عنصر غالب» است و در مناسبات متقابل بین عنصرهای گوناگون یک نظام شعری نوعی جابه‌جایی مداوم عنصر غالب در جریان است و یک عنصر غالب جدید در طی زمان و در جریان پویش ادبی جانشین عنصر غالب قبلی می‌شود. به نظر او عنصر غالب در شعر دوره رنسانس از هنرهای دیداری مشتق شده بود، عنصر غالب شعر رمانتیک موسیقی بود و عنصر قالب در شعر واقع‌گرا هنر کلامی است؛ ولی عنصر غالب هرچه باشد، دیگر عنصرهای موجود در هر متن به‌خصوص را سازمان‌دهی و سامان‌دهی می‌کند. نحوه انجام کار هم به این صورت است که آن دسته از عنصرهای زیباشناسانه‌ای که در آثار دوره‌های پیشین به‌عنوان عنصر غالب در پیش‌زمینه بوده‌اند به پس‌زمینه فرستاده می‌شوند. آن‌چه تغییر می‌کند عنصرهای نظام (از قبیل نحو، وزن، طرح، طرز بیان و نظیرهای آن‌ها) نیست، بلکه نقش عنصرهای خاص یا گروه‌هایی از عنصرهاست. متن فوق با استفاده از کتاب راهنمای نظریه ادبی معاصر، نوشته «رامان سلدن»، «پیتر ویدوسون» با ترجمه «عباس مخبر» تهیه و تنظیم شد؛ اما تفاوت این نوع نگرش به عنصر غالب در متن و موضوع دوره‌ای با آن‌چه در بازتاب تخیلی عناصر اربعه در شعر کودک به‌عنوان عنصر غالب یا ماهیت عنصری شاعر در این پژوهش گفته شده‌است، این است که پژوهنده با توجه به نظریه‌های تخیلی معتقد است که رد پای کهن‌الگویی عناصر اربعه در تخیل پیش از وجود شاعر است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و ریشه در ذات و ناخودآگاه انسان دارد. البته در آثار شاعران، هنرمندان و مخترعان و علاقه‌ها و رفتارهای ویژه مردم و تخیلات کودکان بروز داده می‌شود که می‌توان از طریق کشف این عنصر غالب یا ماهیت عنصری به میزان اثرگذاری و ارتباط میان اثر و مخاطب بیشتر پی برد.

۲. «تالس ملطی»: او اهل میلئوس از ایونیا (غرب ترکیه امروزی) است. برخی او را مرز بین اسطوره و فلسفه دانسته‌اند و بیشتر مورخان فلسفه، او را نخستین فیلسوف و دانشمند یونانی شمرده‌اند. (شهرزوری، شمس‌الدین محمد، نزحه الارواح و روضة الافرح، ترجمه مسعودعلی تبریزی)

۳. «انیس»^۵ (۱۹۹۱) مانند ارسطو معتقد است که تفکر انتقادی شامل داوری درباره ارزش‌هاست و این یکی از چالش‌برانگیزترین بخش‌های آن است که نباید نادیده گرفته شود. بسیاری از استعدادها با هوش انتقادی ارتباط مستقیم دارند.

اهمیت خلاقیت و تفکر تا آن‌جاست که: «سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۴ نقش تفکر در ایجاد یک زندگی سالم را مهم ارزیابی کرده‌است و خلاقیت و تفکر انتقادی را یکی از پنج مهارت اساسی زندگی می‌داند.» (فرمehینی فراهانی و پیداد، ۱۳۸۹) تفکر، قدرت کشف و استدلال را افزایش می‌دهد. همان‌طور که «ژان ژاک روسو» (۱۷۱۲-۱۷۷۸)، دانشمند فرانسوی نیز اذعان می‌دارد که «اجازه دهید طفل خود حقایق را کشف کند؛ زیرا اگر منبع اطلاعات را در ذهن وی جانشین استدلال کنید، دیگر استدلال

نخواهد کرد.» (فرخ‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۰) و اگر همراه با خلاقیت درونی باشد اثری بدیع آفریده می‌شود؛ چون «تفکر خلاق، تفکری است که به‌نحوی تشکیل شده که منجر به نتایج خلاق و تازه می‌شود.» (کاین، ۱۹۹۱: ۷۲) البته یکی از گونه‌های دیگر تفکر را می‌توان «تفکر انتقادی» دانست که «دیویی» (۱۹۰۹) در این باره معتقد است: «بررسی فعالانه، مستمر و دقیق یک عقیده یا شکل مفروضی از دانش، در پرتو زمینه‌هایی که از آن حمایت می‌کند.» (به‌نقل از فیشر، ۲۰۰۱: ۲)

هدف تفکر انتقادی «پرورش افرادی است که دارای ذهن معتدل، خالی از غرض، عینی و متعهد به‌وضوح و دقت باشند. مفهوم تفکر انتقادی از نظر تاریخی به سقراط برمی‌گردد. رشته‌اساسی که همیشه در خلال فلسفه موجود بوده‌است، پرورش و توسعه تفکر عقلانی به‌منظور راهنمایی رفتار بوده‌است.» (یارمحمدیان، ۱۳۷۷: ۷۲) در آموزش جدید می‌توان دانش‌آموز را برای چنین تفکراتی آماده کرد. تفکر خلاق می‌تواند در تکمیل تفکر انتقادی کودکان مؤثر باشد. تفکر انتقادی و خلاق می‌تواند در سیستم آموزشی یک کشور نتایج بسیار شایان توجهی را به‌وجود آورد. «روش‌های آموزش تفکر انتقادی در رشته‌های مختلف فرق می‌کند و باید به شیوه‌های مختلف توسعه یابد. آموزش تفکر انتقادی به شاگردان شامل مبادله اطلاعات نیست، بلکه بیشتر شامل آموزش دیدگاه‌ها برای تجزیه و تحلیل و تفهیم اطلاعات است.» (مایرز^۶ ۱۳۷۴: ۶۴) برانگیختن تفکر انتقادی در کودکان به‌نوعی برون‌ریزی استعدادهای نهفته آن‌هاست که می‌تواند برای آینده آنان نیز قابل‌هدایت باشد.

فصلنامه نقد کتاب

نقد و پژوهش

سال سوم، شماره ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۹۶

پی‌نوشت‌ها

1. Imagination.
2. Creator thinking.
3. Critical thinking.

۴. برای تبیین موضوع چندبعدی پژوهش نیاز به مطالعه و ریشه‌یابی «تخیل» و خیال، خلاقیت و تفکر خلاق بود. نظریات تخیلی ابن‌سینا، شیخ اشراق، ابن‌عربی، نقد تخیلی گاستون باشلار و... بود. پس ژیلبر دوران و منظومه شبانه، منظومه روزانه از «علی عباسی»، مقاله «علیرضا سرور» با نام «تفکر خلاق»، «علی شریعتمداری» و «نقد و خلاقیت در تفکر»، چت مایرز با «آموزش تفکر انتقادی»، ... نگرش‌های جدید به فلسفه و تفکر برای کودکان مانند «فلسفه برای کودکان»: (P4C) مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی «احمد اکبری» و دیگران و... مطالعه شد و نیز نگاه و توجه دقیقی به «کهن‌الگوها» فردی و جمعی «کارل گوستاو یونگ» و «جوزف کمبل» ... و شناخت منشأ تئوری «عناصر اربعه» در کتب مقدس زرتشتیان و دیگر ادیان و اعتقادات باستانی، در طب و داروشناسی با عنوان اخلاط چهارگانه «بلغم و صفرا و سودا و دم» و از دید هستی‌شناسی نظریات دانشمندانی چون ارسطو و تالس ملطی، انکمیدوس و... و از منظر اسلامی نیز با منشأ قرآن و روایات که به‌نوعی همگی آن‌ها را در پیدایش خلقت مؤثر می‌دانند و

از دیدگاه بعد تخیلی عناصر اربعه، نظریات گاستون باشلار در روان کاوی آتش، بوطیقای فضا و...، در تحلیل نمادینگی و نمادگونگی این عناصر نیز از سوی دکتر یاحقی و دیگران، دکتر خالقی چترودی و دیگران و... صورت گرفت. البته تاکنون هیچ گونه بررسی بر روی ماهیت عنصری و بازتاب تخیلی عناصر اربعه به عنوان کهن الگوهای بعد تخیلی شاعر و تأثیر آن بر مخاطب صورت نگرفته است. بدون شک تحقیق و تعمق بنیادی تر در تأثیر کهن الگوها و تفکر و تخیل شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان در نوع جاذبه و دافعه بر مخاطب، ضرورت این پژوهش را ایجاب کرد.

5. Robert Ennis.

6. Mayerz.

فصلنامه نقد کتاب

نور و تاب

سال سوم، شماره ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۹۷

منابع

کتابها

- قرآن کریم. ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای (۱۳۸۳) (چاپ دوم). قم: مشرقین.
- افلاطون. پنج رساله افلاطون. ترجمه: محمود صناعی (۱۳۶۲). تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- افلاطون. دوره آثار افلاطون. ترجمه: محمدحسن لطفی (۱۳۶۴). تهران: خوارزمی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۴). اسطوره، رؤیا، راز. ترجمه: رؤیا منجم. تهران: فکر روز.
- ایگلتون، تری (۱۳۶۸). پیش درآمدی بر نظریه ادبی نوشته. ترجمه: عباس مخبر (چاپ اول). تهران: نشر مرکز.
- باشلار، گاستون (۱۳۸۳). معرفت شناسی. ترجمه: جلال ستاری. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی با همکاری مرکز بین المللی گفت و گوی تمدن ها.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۶۴). رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۲). معصومیت و تجربه (چاپ اول). تهران: مرکز.
- دولت آبادی، پروین (۱۳۷۷). قایقی بر ابرها. گردآوری و تدوین: شورای کتاب. تهران: رهگشا.
- دولت آبادی، پروین (۱۳۷۸). گل بادام (چاپ اول). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۴). نقد ادبی. تهران: امیرکبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱). نقد ادبی (جلد دوم). تهران: امیرکبیر.
- ستاری، جلال (۱۳۷۲). مدخلی بر رمز شناسی عرفانی. تهران: نشر مرکز.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۰). نقد و خلاقیت در تفکر. تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰). بیان (چاپ اول از ویراست چهارم). تهران: میترا.
- شوالیه، ژان و گربان، آلن (۱۳۷۸). فرهنگ نمادها. ترجمه: سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- شوالیه، ژان (۱۳۸۲). فرهنگ نمادها. مترجم و محقق: سودابه فضایی. تهران: مهر.
- فرمیپنی فراهانی، محسن و پیداد، فاطمه (۱۳۸۹). مهارت های زندگی. تهران: شباهنگ.

کتاب مقدس (۱۹۷۵ م). عهد عتیق (ترجمه فارسی). لندن، برتش و فورن بیبل سوسیاتی (۱۹۴۰ م) / انجمن کتاب مقدس ایران (۱۳۱۹)

کمپیل، جوزف (۱۳۸۵). *قهرمان هزارچهره*. مشهد: گل آفتاب.

مایرز، چت (۱۳۷۴). *آموزش تفکر/انتقادی*. مترجم: خدایار ابیلی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

محمدی، محمدهادی (۱۳۷۸). *روشن‌شناسی نقد ادبیات کودکان* (چاپ اول). تهران: سروش. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹). *فرهنگ اساطیر*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و

فصلنامه نقد کتاب

نور و نور

سال سوم، شماره ۱۱
پائیز ۱۳۹۵

۹۸

سروش.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.

یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۷۷). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: یادواره کتاب.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷). *انسان و سمبل‌هایش*. ترجمه: دکتر محمود سلطانیه. تهران: جامی.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۳). *روان‌شناسی و شرق*. ترجمه: لطیف صدقیانی. تهران: جامی.

Ennis, Robert. 1991. *critical thinkikg: A streamlikened conception, teachikg philosophy* :14:15-25

Fisher, R. First stories for thinking, Oxford: Nash Pollock.

Lipman, M. 1993. *Philosophy for Children and Critical Thinking*, In: M.

Lipman (Ed.). *Thinking Children and Education*, U.S.A: Kendall/ Hunt Publishing Company.

مقالات

استادزاده، زهرا (۱۳۹۱). «بررسی محتوایی اشعار کودکان دولت‌آبادی». *مجله مطالعات ادبیات کودک*، سال سوم، ش ۲.

بلائی، رقیه (۱۳۷۹). «نویسندگان کودک "جاندارپنداری" را بهتر بشناسند». *کتاب‌ماه کودک و نوجوان*، شماره ۳۵، صص ۱۵-۱۲.

دوران، ژیلبر. «بازخوانی نظریه تخیل ابن عربی به روایت هانری کربن» سایت:

<http://iran-newspaper.com/1384/840912/html/think.htm>

سیدآبادی، علی اصغر (۱۳۷۸). «ادبیات کودک و رویکردهای جدید به دین». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، سال پنجم، ش ۲۲.

شریعتی، سارا (۱۳۸۵). «جامعه- انسان‌شناسی تخیل». *فصلنامه خیال*، ش ۱۷.

طهوری، مهدی (۱۳۸۱). «چکهای آواز، تکه‌ای مهتاب». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، سال هشتم، ش ۳۱.

عباسی، علی (۱۳۸۰). «طبقه‌بندی تخیلات ادبی براساس نقد جدید» *نشریه نافه*، سال اول، ش

۱۱ و ۱۲ و سال دوم ش ۱۳.

علوی، فریدون و علی اکبر پور، رضا (۱۳۹۰). «از اسطوره تا ادبیات». مجله ادبیات تطبیقی. قائمیان پگاه (۱۳۸۵). «گزارش سخنرانی دکتر عباسی در نشست بررسی تخیل هنری از منظر ژیلبر دوران». ماهنامه فرهنگستان هنر، سال ۵، شماره ۴۶، کنگرانی، منیژه (۱۳۸۸). «فتح دوباره عالم خیال». مقالات دومین هم اندیشی تخیل هنری، فرهنگستان هنر.

کاموس، مهدی (۱۳۸۴). «پرسش‌های بنیادین در ادبیات کودک». کتاب‌ماه کودک و نوجوان، ش ۳۵، صص ۱۲۹-۱۲۳.

محمدی، محمد مهدی (۱۳۷۸). «ادبیات کودک چیست؟». کتاب‌ماه کودک و نوجوان، ش ۲۱. محمدی، محمد (۱۳۷۶). «تطبیق کیفیت تخیل در افسانه‌های کهن و نو». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، سال سوم، ش ۱۱.

میرزا آقایی، حمید (۱۳۸۲). «تکنیک شش کلاه تفکر». (مقاله پژوهشی)، روزنامه اعتماد، ش ۳۴۲.

میرعابدینی، ابوطالب و بسمل، محبوبه (۱۳۹۰). «تحول صور خیال در شعر معاصر». فصلنامه اندیشه‌های ادبی، سال سوم از دوره جدید، ش ۹.

نامور مطلق، بهمن (۱۳۷۷). «باشلار، بنیان‌گذار نقد تخیل». پژوهشنامه فرهنگستان هنر، سال اول، ش ۳، صص ۶۲-۸.

نامور مطلق، بهمن (۱۳۷۷). «پدیدارشناسی تخیل نزد باشلار»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، سال اول، ش ۶، ص ۱۰۶.